

پرونده شماره ۸۲

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۸۲ - ۱۳۸

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
۱۳۶۳ / ۴ / ۸	۲۹
29 JUN 1984	
۸۲	۸۲

ویلیام بایکوف ، و

جرج ایزن پرسر ،

خواهانها ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

 حکم

حاضران:

از جانب خواهانها : آقای ویلیام بایکوف

آقای جرج ایزن پرسر

آقای استوارت جکسون

آقای تادبلیزرد

آقای مارتین لیگتن

وکلای خواهانها

از جانب خواننده : آقای محمدکریم اشراق ،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای اکبرشیرازی ،

مشاور حقوقی نماینده رابط

خانم فرزین فریدنی ،

وکیل وزارت معادن و فلزات

خانم مهناز مختاری

آقای مهدی حسینی،

نمایندگان وزارت معادن و فلزات

آقای محمدتهرانی،

وکیل جمهوری اسلامی ایران

آقای پیل استار،

دستیار وکیل

آقای طاهر نژاد

آقای رضا اشرف،

نمایندگان جمهوری اسلامی ایران

آقای محمد ملک پور

آقای حسن شهبازی

آقای جان کروک،

همچنین:

نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

بخش یکم - ادعا

خواهانها، ویلیام بایکوف و جرج ایزن پرسر (به ترتیب، "بایکوف" و "ایزن پرسر")، که هر دو تبعه ایالات متحده هستند ادعای حاضر را به طرفیت جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده و مدعی سلب مالکیت اموالشان بدون پرداخت غرامت توسط خواننده، گردیده اند. خواهانها ادعا می نمایند که خواننده از طریق وزارت معادن و فلزات خود ("وزارت معادن") خواهانها را از "سرمايه گذاري و منافعشان" در برخی ذخایر مس واقع در منطقه چشمه شیرین ایران محروم کرده است. درازاء این سلب مالکیت، خواهانها خساراتی متجاوز از ۴۵۰ میلیون دلار مطالبه می نمایند.

خواهانها، در دادخواستشان، مدعی شده اند که دیوان داوری نسبت به ادعای ایشان مبنی بر کنترل شرکت سهامی استخراج معدن زرشوران ("زرشوران") دارای صلاحیت است. شرکت مزبور یک شرکت ایرانی است که وزارتخانه یاد شده پاره ای حقوق اکتشاف و بهره برداری از معادن چشمه شیرین را به وی اعطا کرده بود. خواهانها در اسناد ثبت شده بعدی و همچنین طی جلسه استماع، اظهار داشتند که چنانچه دیوان خود را نسبت به ادعای غیر مستقیمشان در مورد سلب مالکیت از اموال زرشوران صالح نشناسد، محققاً، نسبت به ادعای مستقیمشان بابت زیانهای وارده به اموال در اثار اقدامات سلب مالکیت توسط خواننده، صلاحیت دارد.

خواننده، از طریق وزارت معادن، ادعا می کند که دیوان داوری نسبت به ادعای غیر مستقیم خواهانها صلاحیت ندارد، به دلیل اینکه نامبردگان کنترلی بر زرشوران نداشته اند و همچنین اینکه دیوان نسبت به ادعای مستقیم خواهانها نیز فاقد صلاحیت است، به این دلیل که از سهام خواهانها در زرشوران سلب مالکیت نشده است. در مورد اصل دعوی، وزارت معادن اظهار می دارد که نسبت به حقوق استخراج معدن زرشوران سلب مالکیتی صورت نگرفته و بفرض که سلب مالکیتی هم صورت گرفته باشد، دینی بابت غرامت وجود ندارد، چرا که حقوق استخراج معدن مورد بحث فاقد ارزش است. وزارت معادن، طی متممی بر لایحه دفاعیه اش که در ۲۲ نوامبر ۱۹۸۲ (اول آذر ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسید ادعای متقابلی علیه خواهانها، بابت حق بیمه های اجتماعی و مالیاتهای که حسب ادعا واجب الادا بوده و شرکت زرشوران به دولت ایران بدهکار است، مطرح ساخت.

استماع این پرونده در روزهای ۲۷ و ۲۹ فوریه ۱۹۸۴ (هشتم و نهم بهمن ماه ۱۳۶۲) برگزار شد.

بخش دوم - شرح واقعیات

شرکت زرشوران در مه ۱۹۷۰ به منظور حفاری، استخراج، فروش و صدور سنگ معدن، طبق قوانین ایران تاسیس شد. اندکی پس از تاسیس، شرکت مذکور، از شرکت زمینی شناس جواز حفاری و پروانه اکتشاف و بهره برداری مربوط به معدن مس چشمه شیرین واقع در منطقه چشمه شیرین ایران تحصیل نمود. پس از چند سال مطالعات اکتشافی در منطقه در سال ۱۹۷۳ پروانه بهره برداری جدیدی توسط وزارت معادن برای زرشوران صادر شد. به موجب این پروانه، که ۱۵ سال اعتبار داشت و اعتبار آن مشروط به رعایت قوانین استخراج معدن ایران توسط شرکت بود، شرکت زرشوران متعهد گردید که سالانه مقادیر حداقلی سنگ معدن استخراج و سالانه ۷ درصد حقالامتیاز بر مبنای قیمت سنگ معدن استخراج و فروخته شده، به وزارت معادن بپردازد. پرداخت حقالامتیاز، قرار بود طبق ضمانت نامه‌ای که شرکت به موقع به نفع وزارت معادن نزد بانک ایران و روس افتتاح نمود، تضمین شود.

خواهانها، ادعا می‌کنند که متعاقب صدور پروانه بهره برداری توسط وزارتخانه یاد شده، زرشوران دست به فعالیت گسترده‌ای در زمینه استخراج معدن در معادن چشمه شیرین زده، محل کاری احداث و در یک مرحله حدود ۱۰۰ نفر کارگر معدن استخدام نموده، تجهیزاتی خریداری و مقادیر هنگفتی پول در زمینه استخراج و صدور سنگ معدن سرمایه‌گذاری نمود. خواهانها اظهار می‌دارند به موجب قراردادی که حسب ادعا، با یکی از بزرگترین صادرکنندگان سنگ معدن ایران منعقد گردید، به طور غیرمستقیم حدود ۱۳،۵۰۰ تن سنگ مس از سال ۱۹۷۳ تا بهار ۱۹۷۸ فروخته‌اند.

معهدا، ادله و مدارک تسلیمی خواهانها در تائید اظهاراتشان غیر کافی و عمدتاً " شامل سوگندنامه‌هایی است. علی‌رغم این واقعیت که شرکت، هم در تهران و هم در نیویورک دفتر داشته، خواهانها ضمن اظهار این مطلب که تمامی اسناد و مدارک در طی انقلاب ایران نابود شده است، نتوانسته‌اند اسناد و مدارکی مقارن و مربوط به زمان انقلاب،

دال بر وجود و حدود عملیات استخراج معدن در چشمه شیرین، مقادیر سنگ مس استخراجی یا مقادیر وارزش سنگ مس فروخته شده، ارائه نمایند. گرچه خواهانها اظهار می دارند که عملیات استخراج معدن که توسط زرشوران اجرا شده، گسترده بوده است، با این حال نتوانسته اند، سوای سوگندنامه ها، مدارک مستندی در مورد وقوع اینگونه عملیات پس از سال ۱۹۷۴، تسلیم نمایند.

وزارت معادن، به عکس مدارک مستند مفصل وقانع کننده ای تسلیم داشته حاکی از آنکه پس از سال ۱۹۷۴ شرکت زرشوران از معدن بهره برداری نکرده است. در گزارش-هایی که توسط مقامات وزارتخانه از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ و مقارن همان سالها، متعاقب بازدیدهای سالانه شان از محل چشمه شیرین تهیه شده، آمده است که فعالیتی در زمینه استخراج معدن در آن محل صورت نمی گیرد. همچنین شهادت شهروندان عادی ساکن در حوالی معدن در آن محل صورت نمی گیرد. همچنین شهادت شهروندان زرشوران فعالیتی، نه در زمینه استخراج و نه در زمینه بهره برداری نداشته است. شرکتی که حسب ادعا سابقاً "متعلق به یک واسطه فروش سنگ مس چشمه شیرین بسوده، اظهار داشته که هرگز اطلاعی از شرکت زرشوران نداشته و سنگ مسی از آن معدن نخریده است. بالاخره، به استثنای پرداخت دو فقره حق الامتیاز در سال ۱۹۷۳ و اوایل ۱۹۷۴، به مبلغ ۱۴،۰۰۰ ریال (حدود ۲۰۰ دلار آمریکا)، زرشوران حق الامتیاز مقرر طبق پروانه بهره برداری اعطائی وزارت معادن را نپرداخته است.

دراوت ۱۹۸۰، وزارت معادن، که از سال ۱۹۷۴ حق الامتیازی وصول نکرده و پاسخی نیز از جانب زرشوران نسبت به این امر دریافت نکرده بود، مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال (حدود ۳،۵۰۰ دلار آمریکا) از ضمانت نامه صادره توسط زرشوران جهت تضمین پرداخت حق-الامتیازهایش را، برداشت نمود. از این رقم، مبلغ ۱۴۰،۱۱۶ ریال کسر گردید، و بقیه در حساب امانی نگهداری می شود. اندکی پس از آن، در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۸۰ (۱۲ آبان ماه ۱۳۵۹) وزارت معادن، به موجب قوانین ایران، جواز بهره برداری زرشوران را به دلیل اینکه برخلاف مقررات جوازها و قانون معادن از معادن بهره-برداری و ۷ درصد حق الامتیاز پرداخت نشده بود، لغو کرد.

(۱) مقررات ذیربط قانون بهره برداری از معادن ایران (۱۳۳۶) به شرح زیر مقرر می نماید.

بخش سوم - صلاحیت

صرفنظر از مسئله کنترل زرشوران توسط خواهانها، هیچگونه مسئله جدی در مورد صلاحیت در پرونده حاضر وجود ندارد. بایکوف و ایزن پرسر در مواقع ذیربط، تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، بوده و هستند و وزارت معادن نیز قبول دارد که مشمول تعریف بند ۳ ماده هفت بیانیه مذکور می باشد.

در رابطه با مسئله کنترل زرشوران، ادله و مدارک تسلیمی ثابت می کند که از تاریخ سلب مالکیت ادعائی تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹)، خواهانها، مشترکا " مالک شتی حداکثریک سوم سهام زرشوران بوده اند. معهدا، خواهانها، اظهار می دارند که، هم در اثر تامين مالی گسترده شرکت توسط آنها، و هم به علت یک سلسله

بقیه پاورقی شماره (۱)

ماده ۱۰ (۱)

هرگاه دارنده پروانه بهره برداری طبق مقررات قانون و آئین نامه مربوطه عمل ننماید وزارت صنایع و معادن میتواند پروانه مربوطه را لغو کند.

در بخشی از آئین نامه اجرائی بهره برداری از معادن، آمده است که:

ماده ۱۰

بهره بردار مکلف است حداقل حقوق دولت را بر اساس درصد مندرج در اجازه یا پروانه بهره برداری و حداقل استخراج که در پروانه یا اجازه بهره برداری ذکر و یا از طرف شورای عالی معادن تعیین میشود در موعد مقرر در پروانه یا اجازه بهره برداری بپردازد.

ماده ۱۳

چنانچه بهره بردار از پرداخت حق دولت در موعد مقرر خودداری نماید مشمول پرداخت خسارت تاخیر تا دیه قانونی خواهد بود و چنانچه تاخیر در پرداخت از سه ماه تجاوز کند حق دولت از محل تضمین او برداشت و بعلاوه طبق ماده ۱۰ قانون با او رفتار خواهد شد.

ماده ۱۹

معادن نباید بیش از شش ماه را کدیمانند، در غیر این صورت پروانه یا جواز بهره برداری طبق ماده ۱۰ قانون معادن باطل خواهد شد.

اقدامات توسط سهامداران و هیئت مدیره مبنی بر انتقال کل مدیریت شرکت بدیشان، خواهانها، هم مالک انتفاعی دوسوم شرکت بوده اند و هم کنترل کامل بر زرشوران اعمال کرده اند. براین اساس، بایکوف و ایزن پرسر اظهار می دارند که بر شرکت زرشوران در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی "کنترل داشته اند".

ادله و مدارکی که جهت اثبات این استدلالها ارائه شده عمدتاً شامل سه سند است. اولین آنها وکالت نامه ای است که در تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۰ (۱۱ خرداد ماه ۱۳۴۹) توسط مرتضی ترکان، یکی از سهامداران ایرانی زرشوران که برادرزن بایکوف و مالک شتی ۵۰ درصد سهام شرکت بوده، امضا و بایکوف را مجاز ساخته که "... کلیه امور مربوط به (مرتضی ترکان) در شرکت زرشوران" را، انجام دهد. دومی، تصویب نامه مورخ ۷ ژوئن ۱۹۷۰ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۴۹) هیئت مدیره زرشوران است که بایکوف را مجاز می ساخت "... با اجازه و اختیار کامل در مورد هرگونه کسب و کاریار و ابطنی که به نفع شرکت استخراج معدن زرشوران و سهامدارانش تشخیص می دهد، ... اقدام به مذاکره نماید". به موجب این تصویب نامه، همچنین اجازه اختیار "... امضای قراردادها، واگذاری حقوق آنها، تهیه سرمایه، مذاکره در مورد اخذ وام و، به عنوان مدیرعامل، اقدام به همکاری که به نفع شرکت تشخیص داده شود، به بایکوف به عنوان مدیرعامل، تفویض می شد. سندنهایی، یعنی وکالت نامه مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۱ (۱۳ شهریور ماه ۱۳۵۰) به امضای مرتضی ترکان و برادرش یوسف ترکان، بایکوف را مجاز می نمود که "... هرگونه موافقت نامه و قرارداد را در رابطه با معادن مس سمنان (چشمه شیرین) ... که صلاح بدانند، با دارا بودن حق دریافت وجوه منعقد و در مورد آن مذاکره نماید". در طی استماع، مرتضی ترکان همچنین گواهی داد که چون بایکوف و ایزن پرسر تواما "۲/۳۶ درصد سرمایه مورد لزوم شرکت را فراهم کرده بودند، تمام سهامداران ایشان را مالکان انتفاعی دوسوم (سهام) زرشوران تلقی می نمودند. معهداً، در مورد میزان واقعی مبالغی که توسط بایکوف یا ایزن پرسر به شرکت پرداخت شده، ادله و مدارک ناچیزی ارائه گردیده است.

پاورقی شماره (۲)

(۲) گرچه ادله و مدارکی در دست است که مالکیت شتی یک ششم زرشوران توسط بایکوف، کاهش یافته، معهداً این موضوع ارتباط و مناسبتی با رسیدگی به مسئله کنترل خواهانها بر زرشوران ندارد.

گرچه روشن است که این سه سند و اقدامات شرکت اختیاراتی راجع به شرکت به بایکوف داده اند، مع هذا، آن حدی از کنترل را که طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ضروری است به بایکوف وایزن پسر تفویض نکرده اند. هیچیک از وکالت نامه ها غیر قابل فسخ نیست و کنترل آراء را به بایکوف منتقل نکرده است. تصویب نامه هیئت مدیره زرشوران صرفاً "بایکوف را مجاز ساخته که به عنوان مدیرعامل وظایفی را که در جریان کسب و کار عادی شرکت معمولاً مورد لزوم است، یعنی وظایفی که به طور روزمره توسط مدیرعامل هر شرکتی ایفا می شود، اجرا نماید. تصویب نامه مزبور، اختیار قانونی اکثریت سهامداران را در برکناری بایکوف بعنوان مدیرعامل و تحدید اختیارات وی به عنوان مدیرعامل، از ایشان سلب نکرده و یا مانع و مزاحم اختیارات ایشان نمی شد. علاوه بر این، تصویب نامه مورد بحث حق کنترل نامحدودی نسبت به زرشوران به بایکوف تفویض نکرده است. مطابق اساسنامه شرکت کلیه اقدامات مهم شرکت می بایستی، هم توسط مدیرعامل و هم رئیس هیئت مدیره، تصویب شود.

این نکته نیز حایز اهمیت است که ادله و مدارک تسلیمی در پرونده حاکیست که نه بایکوف و نه ایزن پسر عملاً بر عملیات زرشوران کنترل نداشته اند. خواهانها اقرار کرده اند که فقط گهگاه به ایران مسافرت می کردند و مدارک حاکیست که تصمیمات مربوط به مدیریت روزانه شرکت و عملیات استخراج معدن آن، توسط مرتضی ترکان، یعنی بزرگترین سهامدار ثبت شده شرکت اتخاذ می گردید. مطلقاً "دلیل و مدرکی - خواه به صورت گزارش، دستورالعمل یا مراسلات دیگر، وجود ندارد که نشان دهد عملیات شرکت به اطلاع خواهانها می رسیده یا خواهانها در تصمیمات مربوط به این عملیات شرکت می جسته اند.

بنابراین، دیوان داوری بر این عقیده است که خواهانها ثابت نکرده اند که در هنگام به وجود آمدن ادعا، در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، شرکت زرشوران را تحت کنترل داشته اند. دیوان نسبت به ادعای غیر مستقیم ایشان بابت سلب مالکیت از اموال زرشوران صلاحیت ندارد.

خواهانها، به عنوان مبنای تخییری برای صلاحیت دیوان، ادعا می کنند که سلب مالکیت ادعائی از آنها دارای اساسی زرشوران - یعنی پروانه بهره برداری از

معدن آن - توسط وزارت معادن، به حقوق ایشان در اموال شرکت لطمه وارد آورده و، دیوان نسبت به ادعای مستقیم آنها بابت کاهش حقوق آنها در اموال زرشوران در اثر لغو پروانه بهره برداری متعلق به آن، دارای صلاحیت است. خواهانها، ادعا نکرده اند و مدارک هم ثابت نمی کند که از خود زرشوران سلب مالکیت به عمل آمده یا اینکه سهام آنها در شرکت صادره شده باشد. ادعای مستقیم آنها صرفاً " مبتنی است بر لطمه دیدن ادعائی شرکت و صدمه به حقوق و منافع اقتصادی شرکت از طریق محروم کردن آن از یکی از دارائیهایش. این قبیل ادعاها صرفاً " می تواند منشاء یک ادعای غیر مستقیم، یعنی ادعای زرشوران باشد. علیهذا، دیوان داورى براىین نظر است که این مبنای تخییری ادعائی برای صلاحیت، مبنای تخییری نبوده و لذا دیوان نسبت به ادعا های این پرونده فاقد صلاحیت است.

بخش چهارم - ادعای متقابل

از آنجا که دیوان نظر داده است که هم نسبت به ادعای مستقیم و هم نسبت به ادعای غیر مستقیم، هر دو فاقد صلاحیت است، بنا بر این، ادعای متقابل که ظاهراً " ناشی از ادعا های مذکور است نیز بناچار، به دلیل فقد صلاحیت رد میشود.

بخش پنجم - هزینه ها

هر طرف، راساً " هزینه های داورى خود را تقبل خواهد کرد.

حکم

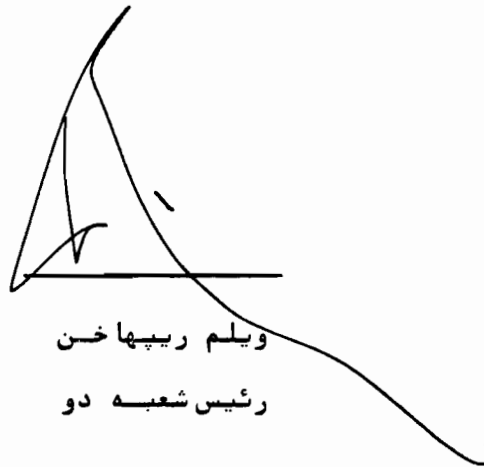
دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند

بدینوسیله ادعا های خواهان، ویلیام بایکوف و جرج ایزن پرسر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، به دلیل عدم صلاحیت رد می شوند.

بدینوسیله ادعای متقابل خواننده، جمهوری اسلامی ایران، به علت عدم صلاحیت، رد می شود.

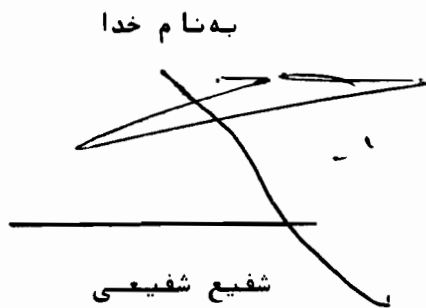
هریک از طرفین، راساً " هزینه‌های داوری خود را در این ادعا، تقبل خواهد کرد.

لاهور، به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با اول تیر ماه ۱۳۶۳

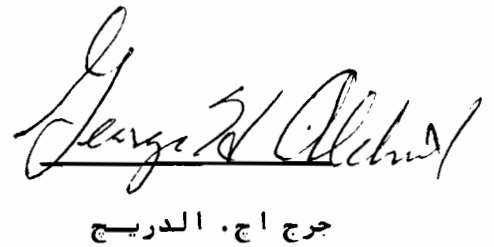


ویلم ریپهاخن
رئیس شعبه دو

به نام خدا



شفیع شفیع



جرج ا.ج. الدریج